



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۱/۱۶

رسول پویان

## افغانستان و چرخشهای تازه منطقوی و بین المللی (و داخلی.... و. ا. نوری)

یادداشت ناشر: این مقاله عالی، ملی و پر محتوا به قلم توانای شاعر و نویسنده عالیجاه جناب "رسول پویان" در سال ۲۰۱۳ میلادی در باره حالت اسفناک وطن نوشته شده و در اکثر رسانه های چاپی و اینترنتی نشر شده بود. وقتی حالات امروز وطن را با این همه بی امنیتی، بیکاری و درگیری مردم و کشتار بی گناهان با انفجاری و بم گذاری از یکطرف و از جانب دیگر جریانات داغ و تشنج سیاسی فعلی در افغانستان مخصوصاً حالت کابل و بلخ را می بینیم و به انواع مختلف دست زدن ها در امور افغانستان و حضور کشورهای دور و نزدیک ملتفت می شویم، جا دارد که این نوشته عالی را دوباره به نشر برسانیم تا وجدان رهبران حکومت دو منزله را بیدار کند و به مسؤولیت شان ملتفت سازد. و برای دانستن بیشتر جریانات داغ و تشنج سیاسی در کابل و مزار این برنامه تلویزیونی بسیار مهم رویداد (۱۱۵) را که توسط ژورنالیست و مطبوعاتی بی نظیر افغانستان جناب استاد "عنایت شریف" با داشتن تجارب و آگاهی های شان از تلویزیون آریانا افغانستان به کمک این لینک مشاهده فرمائید:

[\(\(https://www.youtube.com/watch?v=٦qOb٦UzmlW\)\)](https://www.youtube.com/watch?v=٦qOb٦UzmlW)

### بخش اول

افغانستان پس از چند دهه جنگ و بحران های گسترده ویرانگر باز با وزش تندباد چرخشهای تازه منطقوی و بین المللی روبرو می باشد و آینده آن در این گیرودار رقابت های داغ منطقوی تا رسیدن به نوعی تعادل قطبین (قدرتهای بزرگ) در مناطق انرژی آسیای میانه و جنوب آسیا و ثبات سیاسی و اقتصادی شرق میانه شکل خواهد گرفت. جنگ درازمدت و بحران وسیع کشور در ماهیت ریشه در جهان دو قطبی دارد. پس از فروپاشی شوروی سابق و یکه تازی سران پیمان ناتو به سرکردگی امریکا این جنگ و بحران وارد مراحل دیگری شد؛ لیکن رهبری و نفوذ سلطه گرانه پاکستان به مثابه همکار ستراتیژیک برتانیه و ایالات متحده امریکا در آن باقی ماند؛ چنانکه مردم مظلوم افغانستان تا هنوز از آن رنج و عذاب می کشند. شواهد تازه نشان می دهند که با چرخش های تازه منطقوی و جهانی این سلطه کهنه ظالمانه، جنگ افروز و بحران خیز از نگاه ضرورت وجودی به کلی ختم شده است؛ اما به دلیل پس لرزه های شدید جنگ سرد در شرق میانه و تشنج های متنوع منطقوی تا هنوز سران پاکستان از آن استفاده می کنند.

چرخش های تازه در شرق میانه و جنوب آسیا که حضور روسیه، چین و هندوستان را در منطقه پررنگ کرده و حرکت نظامی سران ناتو به رهبری امریکا را به کلی کند و تا حدود ممکن متوقف کرده است؛ زمینه مقدماتی برای

نوعی تعادل قطبین و حل و فصل قضایا از راه دیپلوماسی آماده شده است. به طور مثال می توان به انصراف حمله نظامی امریکا به سوریه و حل بحران شیمیایی آن از طریق دیپلوماسی اشاره کرد. تغییرات و تبدلات اخیر در شرق میانه و جنوب آسیا ستراتیژی کهنه و شکست خورده پاکستان را (مبنی بر رهبری و حمایت همه جانبه از افراطگرایی و تروریسم در منطقه) از بیخ و بن متلاشی کرده و این کشور را در انزوای کامل و فلج کننده قرار می دهد. برای درک این حقیقت به چرخش ها و تغییرات منطقی و بین المللی توجه نمایید.

## تحولات مصر:

کشور ۸۴ میلیونی مصر نه تنها تاریخ و تمدن طولانی دارد؛ بلکه تاریخ معاصر آن نیز مملو از مبارزات ملی و آزادی خواهانه می باشد. تحولات اخیر مصر نشان داد که مبارزات ملی، استقلال طلبانه و ترقی پسندانه معاصر که الگوی مبارز آن حرکت جمال عبدالناصر و یارانش بود، تا هنوز در این کشور عمق و ریشه دارد. ایدئولوژی اسلام سیاسی که در ستیز با جنبش های ملی، مترقی و چپگرایانه در بستر جهان دو قطبی و جنگ سرد گسترش پیدا کرد و در جریان قیام عمومی مردمی بر ضد حسنی مبارک در هیئت تشکیلات منظم اخوان المسلمین حضور عملی سیاسی یافت، پس از حصول قدرت سیاسی پایه مردمی و حمایت بین المللی خود را از دست داد.

به این سبب سران اردو با استفاده از احساسات و نارضایتی اکثریت مردم توانستند یکه تاز میدان شوند. وقایع مصر نشان داد که اسلام سیاسی در شرق میانه ظرفیت فکری و سیاسی اداره و رهبری جریان های متنوع حال و آینده را ندارد.

## اوضاع سوریه:

در کشور باستانی سوریه به مثابه زادگاه و پرورشگاه ایدئولوژی احزاب بعثی طولانی است که نظام سیاسی سیکولار حاکمیت دارد. بعد از تهاجم قوای ناتو به سرکردگی امریکا و برتانیه به کشور عراق و سرنگونی حزب بعث به رهبری صدام حسین، قدرت سیاسی احزاب بعثی و جریان های ناسیونالیستی ملی گرای غیر مذهبی دوران جهان دو قطبی در اثر هجوم نظامی و فشارهای سیاسی و تبلیغاتی سران ناتو به رهبری امریکا و رشد سمارق وار افراطیون آشوبگر، متزلزل شدند. رژیم معمرقذافی در لیبی متلاشی گردید و سوریه به کانون جنگ و مبارزه بین نیروهای حزب بعث به رهبری بشار اسد و قوای مخالف (بخصوص افراطیون عرب) تبدیل شد.

طولانی شدن جنگ در سوریه سران ناتو به رهبری امریکا و متحدان آنان (ترکیه و عربستان سعودی) را نه تنها متعجب کرد، بلکه تضاد در بین قدرت های بزرگ منطقی و جهانی را شدت بخشید. استعمال سلاح کیمیاوی در جنگ سوریه هرچند بهانه ای برای یورش نظامی امریکا فراهم کرد؛ اما ترس از مصارف گزاف این تهاجم و پیامد های آن از یک طرف و مخالفت روسیه و چین در شورای امنیت از طرف دیگر ماشین نظامی ناتو را به سینه انداخت و زمینه برای دیپلماسی مساعد گردید. این چرخش عمده همراه با چرخش های دیگر سیاسی در کشور های عمده شرق میانه و جنوب آسیا، جبراً در فضای تقابل شدید قدرت های بزرگ جهانی و منطقی بر سر منابع انرژی، حکایت از نوعی تعادل نسبی قطبین در آینده دارد. نتیجه این چرخش ها شاید به سود حرکات میانه روانه و تعادل پسندانه و به ضرر جناح ها و گروه های بنیادگرا و افراطیون مذهبی باشد.

## کمرنگ شدن سیاست ترکیه در منطقه:

بعد از فروپاشی جهان دو قطبی و پیشروی نظامی قوای ناتو به رهبری امریکا در آسیای میانه و جنوب آسیا (خاصاً پس از سقوط رژیم قذافی در لیبی، سقوط حسنی مبارک در مصر و به دنبال آن حاکمیت سیاسی اخوان المسلمین، توسعه جنگ در سوریه و انزوای ایران) دولت اسلامگرای ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در سیاست های منطقوی تبارز چشمگیری یافت و یکی از همکاران بسیار مهم و ستراتیژیک قوای ناتو محسوب می‌شد. سران دولت به رهبری اردوغان طرح خزنده پیاده سازی اسلام در ترکیه و حمایت از حرکات اسلام سیاسی در منطقه (به یاد پان اسلامیزم) را در سر می پروراندند. لیکن چرخش های سریع اخیر در منطقه از جمله شکست اخوان المسلمین در مصر (باوجود پشتیبانی علنی دولت ترکیه)، حمایت عربستان سعودی و کشورهای عرب از نظامیان و دولت جدید مصر از یک جانب و عدم پشتیبانی فعال جهان غرب از اخوان المسلمین از جانب دیگر، انصراف از حمله نظامی به سوریه و موفقیت راه حل دیپلماسی برای بحران کیمیای در آن کشور، سیاست های داخلی و خارجی دولت اسلامگرای ترکیه را کاملاً متزلزل گردانید. به این صورت آینده پالیسی ستراتیژیک دولت کنونی ترکیه در گردها تحولت جاری تیره و تار جلوه می کند.

## عربستان سعودی:

سقوط رژیم صدام حسین با یورش نظامی امریکا و برتانیه، فروپاشی حکومت معمرقذافی در زیر فشارهای سران ناتو و عربستان سعودی، گسترش جنگ در سوریه و پشتیبانی از مخالفان بشاراسد توسط سران ناتو، ترکیه و کشورهای عربی (بخصوص عربستان سعودی) و سقوط رژیم حسنی مبارک در مصر همه و همه عربستان سعودی را در محور اصلی شرق میانه قرار داده و این کشور را بیش از پیش به نکته اتکای سران ناتو به رهبری امریکا تبدیل کرده است. به عبارت دیگر با تهاجم نظامی، تبلیغاتی و اطلاعاتی سران ناتو به احزاب بعثی سکولار در خاور میانه و جریان های ملی و ناسیونالیستی غیر دینی در کشورهای عربی، میدان برای افراطیون متنوع عرب و خشونت های مذهبی خالی شده است.

تجارب دهه اخیر خاصه گسترش جنگ، ترور و وحشت افراطیون در عراق، افغانستان و پاکستان، وقایع خونین مصر و جنگ خانمانسوز در سوریه به خوبی نشان دادند که این خلای سیاسی، فکری و مدنی را خشونت افراطیون و تحجر استبداد مذهبی آل سعود پر کرده نمی تواند. حتی اسلام سیاسی این توانایی را ندارد که مثال روشن آن را در مصر با سقوط اخوان المسلمین، در ترکیه با شکست سیاست های حزب عدالت و توسعه اردوغان و در ایران با به بن بست رسیدن ولایت فقیه و استبداد مذهبی مشاهده کردیم. پاکستان را بنگرید که به غیر وحشت، ترور، جنگ، ناامنی و افراطگرایی چیز دیگری ندارد که به مردم خود و به مردم منطقه تقدیم کند. این است لب و لباب محصولات جنگ، نظامیگری، افراطیت و استبداد مذهبی پس از فروپاشی جهان دو قطبی.

اتکای کورکورانه به ثروت های باد آورده نفتی سلطنت مطلقه و استبداد مذهبی عربستان سعودی در عصر علم، تکنولوژی و ارتباطات به معنی سقوط در گودال تیره و تاریک بشریت است؛ زیرا در عربستان احزاب سیاسی، پارلمان، انتخابات، آزادی سیاسی، اجتماعی و مدنی اصلاً وجود ندارد. زنان از هیچ نوع حقوق مدنی و آزادی انسانی برخوردار نیستند؛ حتی اجازه موثروانی موثر شخصی خود را ندارند. پادشاه مسئول حفاظت از «حرمین شرفین»

است و خود را خلیفه خدا بر زمین می داند. مردم جهان خود قضاوت نمایند که پشتبانی از چنین الگویی به مفهوم افتادن در پرتگاه قیرگون قرون وسطی نمی باشد؛ آیا چنین مدلی می تواند در برابر سیل عظیم افکار دیموکراتیک و آزاد اکثریت قاطع بشریت که تا اندازه ای در چرخش های تازه خود را نشان داده است مقاومت کند. این است آزادی و دیموکراسی در شرق میانه؟ قضاوت را به فردا می گذاریم.

## ایران بعد از انتخابات:

ایران حریف تاریخی ترکیه و عربستان سعودی بعد از انتخابات اخیر نفسی به راحت می کشد و در صحنه دیپلماسی داخلی و منظوقوی فعال شده است. سران دولت جدید ایران حل قضیه اتمی خود را از راه دیپلماسی سازنده در دستور کار فوری قرار داده اند. از نگاه منظوقوی در حل بحران سوریه نقش متبازری دارند. در سطح بین المللی در پی باز سازی فصل تازه یی با (دوست و همکار تاریخی و ستراتیژیک ایران...؟ امریکا) می باشند تا تحریم های اقتصادی نفس گیر برداشته شود و روابط بین المللی کشور ایران دوباره به حالت نورمال درآید. سران ایران مثل این که حس کرده اند که در فضای تعادل و همکاری قطبین بزرگ در آینده (چه به صورت اجباری و چه به طور خوش به رضا) دیگر جای مناسبی برای تندروی و افراطگرایی های مذهبی نوع جهان دو قطبی و دنیای یک قطبی میسر شده نمی تواند.

جامعه ایران از نگاه ظرفیت های درونی برای تغییر و تحولات بنیادین جدید آماده است. از دید جامعه شناسی و از نظر کاوش های نوین، «مذهب و ناسیونالیزم» به مثابه دو شاه ستون رژیم های ایران بعد از صفویه (خاصه سلطنت ولایت فقیه) دیگر به تاریخ پیوسته اند؛ مردم ایران نیاز به هوای تازه و نقد تاریخ دارند؛ البته نه از نوع امتحان شده و شکست خورده آن.

به هر حال تمایل دولت جدید ایران به تعادل و میانه روی به استقبال داخلی و خارجی روبرو خواهد شد و این به سود ایران و کشورهای منطقه می باشد.

## چین:

کشور بزرگ چین چنان اژدهای خفته نه تنها بر محور اقتصادی، سیاسی و نظامی آسیای شرقی و جنوب شرق آسیا قرار گرفته است، بلکه به عنوان اقتصاد دوم جهان نفوذ گسترده یی در افریقا، آسیای مرکزی، امریکا، اروپا و در یک کلام منطقه و جهان می داشته باشد. کشورهای شرق دور و جنوب شرق آسیا تا حدودی از گزند آشوب ها و بهم ریزی های کشورهای شرق میانه، جنوب آسیا و آسیای میانه فارغ بوده اند. ثبات سیاسی و اقتصادی چین در شرق دور و ثبات لازم اندونیزیا، مالیزیا، ویتنام و غیره در آسیای جنوب شرقی فرصتی برای افراطگرایی، مافیزم و دهشت افکنی نمی دهد. اندونیزیا با نفوس ۲۳۸ میلیون نفری از بزرگترین کشورهای دموکراتیک اسلامی در جهان محسوب می شود و الگوی دموکراسی و میانه روی در بین کشورهای اسلامی می باشد. در اوج افراطگرایی و دهشت افکنی در خاور میانه و جنوب آسیا مردم مسلمان اندونیزیا دموکراسی و ضدیت با افراطگرایی را به طور آزادانه انتخاب کردند. مردم مالیزیا نیز به عنوان اتباع کشور مدرن و میانه رو اسلامی و دارای اقتصاد و جامعه در حال پیشرفت از افراطگرایی و تندروی بیزارند.

در زمانی که سران دول عضو پیمان ناتو درگیر جنگ و بحران های شرق میانه و روس ها گرفتار بازسازی نظام فرپاشیده سابق خود بودند، چین و کشورهای شرق دور و جنوب شرق آسیا اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را سر و سامان می دادند. کشورهای متذکره از چرخش های تازه منطقوی و جهانی استقبال می کنند و تعادل نسبی و همکاری دیپلوماسی قدرت های بزرگ برای حل بحران های خاور میانه و مهار افراطگرایی و تروریسم را به فال نیک می گیرند؛ زیرا در این بستر تا حدودی زمینه برای امنیت و ثبات منطقوی و جهانی، رشد و گسترش دموکراسی و فعالیت های تجارتي و اقتصادی مساعد می شود.

پایان بخش اول  
ادامه دارد

<https://www.youtube.com/watch?v=٦qObf٦UzmLw>

